

۵ ریال

# کتابخانه

## عالمی

### تجدید

گرد آورنده  
مهندس بوستانی  
حبيب الله لای

نشانی:

خیابان چریل  
کوچه گل کار شماره ۷

قسمت ۹

کتابخانه

برنده جایزه قسمت ششم  
این کتاب دارنده شماره  
**۶۳۷**  
می باشد که با ارائه قسمت  
ششم این کتاب مبلغ یکصد  
ریال نقداً پرداخت می شود.

«یکصد ریال جایزه»  
برای هر قسمت از این  
کتاب که منتشر میشود یکصد  
ریال جایزه تعیین شده  
است بدین طریق که هر  
قسمت این کتاب دارای امره  
ای خواهد بود و بین نه  
قرعه کشی خواهد شد پس این  
صاحبات را که چهارم و پنجم  
خود را بپایزمالد باید یکصد  
ریال نصیب هم گردد.

برنده این قسمت در  
قسمت دهم اعلام میشود



### عکس پشت جلد

دووجه قوی و نهضت ترقی خوامی توده های جوان  
پسر و دختر در فلسطین برای تجدید حیات ملی و بدست آوردن  
افتخارات بزرگ گذشته باعث خوشنودی عموم افراد اسرائیل  
دنیا است. در فلسطین همه کس پیر و جوان، زن و مرد،  
بنظور حفظ حیثیات ملی کار میکنند، زحمت میکشند، خرابی  
ها را آباد میسازند، زمین های خشک می حاصل ربار دارمی  
کنند و در طول چند ساعت کوتاه چند عمارت بلند میسازند.  
بله، آنها با این عمل پسندیده و قابل تقدیر شان می  
خواهند دنیا بفهماند ملت اسرائیل هم ملت زنده و بزرگی  
است که باید با افتخار کامل زنده بماند و زندگی کند.  
عکس روی جلد یکی از هزاران دختر فلسطینی است  
که با اشتاق و ذوق زیاد کار میکنند و انگور می چنند.

### بنگاه الکتریکی شناسا

تعمیر گاه رادیو و کلیه دستگاه های برقی  
قبول هر نوع سیم کشی  
خرید و فروش اجناس برق  
نشانی - خیابان منوچهری جنب چهارراه کنت  
شماره ۹۵۸  
شرکت (سهامی) چاپ

بخوانند گاه یز و نه ای دگان محترم عالم بهبودی  
متنی است من بعد کلیه نامه های خودتانرا  
نقط بآدرس زیر ارسال فرمایید.  
تهران - خیابان چریل - کوچه گل کار  
شماره ۷

بهای پیش خرید قسمتهای کتاب عالم  
بهبود تا مدت شش ماه یکصد ریال است که  
قبلا دریافت میشود.

### دومین مسابقه اردن بزرگترین مسابقه دوچرخه سواری بین جوانان اسرائیل تهران

از کرج الی تهران بمسافت ۳۶ کیلومتر  
از طرف کلوب ورزشی اردن  
روز جمعه ۲۳ شهریور به عمل خواهد آمد  
سه گلدان نقره نفیس  
برای برندگان نقرات اول و دوم و سوم  
بجایزه گذاشته شده است  
برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتری بمحل کلوب واقع  
در سه راه شاه کاشی شماره (۱۰۱۹) مراجعه فرمایید.  
هیئت رئیسه کلوب ورزشی اردن

קרן הקיימת לישראל  
ירושלים

# کپور و پیغمبر رک گو

پیش از انتشار قسمت قبلی بخاطر میاورم که یکی از اعضای هیئت تحریریه عالم یهود اسرائیل در مقاله راجع به «روش هاشنا»، گویا مختصر بیم و اندک تردیدی دست داده بود و صراحت لهجه خود را موجب رنجش احتمالی خوانندگان و بخصوص طبقه توانگران می پنداشت زیرا آن قسمتی از این طبقه را که اعتنایی به بینوایان ندارند بیاد انتقاد گرفته بود. یا من در ددل میگرد که اگر نکویم وجدان خود را پایمال و دستور مذهبی را افعال کرده ام که سعدی وار میگوید

د کنوت که امکان گفتار هست  
د که فردا چو بیک اجل درسد  
و اگر بگویم گفتارم عاری از صراحت نتواند بود و موجب رنجش و شکایت خواهد گردید.  
بگو ای برادر بلطف و خوشی  
بعکم ضرورت زبان در کشی

گفتم حال که تو چنین فکر میکنی آسوده باش که من در ایام کپور کله ای چند برای همکیشان خود نوشته رک گویی و صراحت لهجه پیغمبران بنی اسرائیل را بدیشان ثابت خواهم کرد تا هر دوی ما را تبرئه نماید.

بدون شك رک گوترین و در عین حال فصیح ترین پیغمبران یهود بعد از موسی و اشیاء نبی است. این پیغمبر که مورخین یهود به شاهزادگان نسبت میدهند بغایت جسور و بیباک و بی برده حرف زن بوده است. با اینکه مراسم جز ترویج احکام قائم بزرگ خود موسی نیست آنرا که فقط بلفظ شریعت متمسک شده روح آنرا ناچیز می شمارند سخت سرنش میکند و خاص و عام را علی السویه برای سوء تعبیر و سوء استفاده ای که از قانون موسوی مینمایند چوبکاری میکنند.

از طرفی خوشبختانه علمای یهود که فصول مختلف کتب انبیاء را تحت عنوان (هفتطارا) برای خواندن در نمازهای سبت و اعیاد تقسیم نموده اند یکی از پوست کنده ترین فصلهای اشیاء یعنی فصل ۵۷-۵۸ را برای روز کپور که مقدس ترین روز بنی اسرائیل است تخصیص داده اند. آنها نیز مانند این پیغمبر درک کردند که هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد، یعنی در یک چنین روز عزیز و با شکوهی که یهود بدان فخر نموده خود را در آن روز از وسوسه شیطانی و خیالات نفسانی فارغ میدانند. در یک چنین روزی که برای توبه و انابت معین شده. بالاخره در یک چنان روزی که ضعیف و قوی با گرفتن روزه و پرهیز از لذات نفسانی میخواهند بخدا تقرب جویند این فصل عجیب و غریب اشیاء باید پس از توبه موسی خوانده شود. چرا؟ برای اینکه میادا مردم را هوا بر دارد و خیال کنند که با گرفتن روزه که در شریعت سفارش آن شده بود و با فریاد های استغفار گناه ایشان پاک و نزد خدا آمرزیده و رؤسید شده اند!

چقدر شیرین و پر معنی است که در آیه ۳ از فصل ۵۸ مینویسد همین روزه ای راهم که میگیرید برای اینست که بمراد دل خود برسید یعنی هوسرانی و خوش گذرانی کنید و حال آنکه در بادی امر خوش گذرانی با روزه داری متناقض است. آری «برای نزاع و مشاجره روزه می گیرید و مشتکی که (برسینه) میزیند مشت شرارت است» (آیه ۴). «آیا روزه ای که من می پسندم اینست که آدمی جان خود را برنجاند و سر خود را مانند نی خم ساخته پلاس و خاکستر زیر خود بگستراند؟ آیا اینرا روزه و روز پسندیده خدا میدانی؟» (آیه ۵).

در اینجا طبعاً این سؤال پیش میاید که پس روزه چیست و روز پسندیده خدا کدام است؟  
بقیه در صفحه ۱۷۵

# تشکیلات

بقیه از قسمت ۸

کسیکه مورد نظر و اعتماد اکثر افراد این سازمان باشد چنانچه هلی مانع اعزام افراد منتخبه از شهرستانها یا استانها بتهران شود ممکن است هر شهرستان و استانی منتخب خود را از اشخاص مورد اعتماد تهران تعیین کند.  
چون پیشنهاد مادر باره تشکیلات بشکل طرحی پیش

نیست لذا در جزئیات آن کمتر گفتگو میشود و در صورت توجه ملت با اهمیت تشکیلات و اقدام آنها برای هلی نمودن آن با تنظیم برنامه و نظامنامه و تعیین مرامنامه طرح ما را تکمیل نموده و بصورت عمل تبدیل خواهند نمود اینک به تشریح انجمنهای دیگر میپردازیم.

## ۲- انجمن آزادی زنان اسرائیل ایران

سرنوشت ملل مترقی تجربه ثابتی بدست جهانیان داده است که بیش از نبی از علل ترقی آنها وابسته بتربیت زنان آنها است البته واضح است که تربیت اولیه و پرورش روحیه کلیه افراد جامعه در چند سال اول زندگی در اختیار مادر است.  
در واقع میتوان گفت افکار و اخلاق و روحیه و سلیقه و رفتار زنان بمنزله قالبی است که هیكل جامعه در آن ریخته میشود و در آن قالب گیری میگردد.  
بنابراین برای اصلاح و ترقی هر جامعه اول بایستی بتربیت زنان آن جامعه پرداخت.

گرچه دیانت اسرائیل اهمیت زن و موضوع تربیت و تعلیم آنرا تا کید نموده است ولی بدبختانه جامعه اسرائیل ایران چندان توجهی باین موجود ظریف و مرموز ننموده و او را فقط برای آمیزش جنسی یا برای کارگری داخل منزل خواسته است.

چشم پوهی از تغییرات غیر محسوسی که در چند سال اخیر بواسطه تحولات ناگهانی دوزخیت بعضی از زنان اسرائیل ایران داده شد نمیتوان باور کرد آنها دارای تربیت یا تعلیم هستند.

(بدبختانه تربیت مردها و جوانان هم بهتر از زنان نیست) بنا بر این برای تکمیل نتایج اجتماعات و تعالیم مدارس و معاشرت های خارج از کانون خانوادگی لازم است زنان را که مدیره داخلی اجتماع هستند هر چه بهتر و بیشتر تربیت نمود که اگر فلان طفل در مدرسه تعالیمی را باصرف قوای مادی و معنوی آموزش میآموزد وقتی بمنزل میرسد همان وضع و همان آهنگی را به بیند و بشنود که در مدرسه دیده و شنیده است نه اینکه دو محیط متضاد را همه روزه زیارت کند و نداند کدام یک صحیحتر است.

مثلا معلم درس نظافت و معاشرت میدهد شاگرد مدرسه آن درس را بایستی در منزل تمرین کند البته محیط منزل بایستی مناسب باشد که بتواند عادت کند و بیامورد ولی متأسفانه موقعی که طفل از مدرسه بمنزل میرسد خود را در محیط کثافت یا عاری از تربیت می بیند تصور میکند که محیط منزل اساسی تر است لبراً زندگی در آن عملی است و شخص در منزل در جریان عمل

زندگانی است ولی محیط مدرسه فرعی است و در آنجا فقط برای گذراندن وقت بایستی چند فرمول را طوطی وار بنام درس و تعلیم آموخت که فقط موقتی بدردمیخورد که در حضور متعنی حاضر شود اینست طریق تعلیم و تربیت اطفال ما.

پس لازم میشود برای رفاه این قیصه بزرگ از راه تربیت زنان اقدام بلکه قیام نمود.

یکی از راههای تربیت، توجه مخصوص بدختران است که کجا و در تحت سر پرستی چه کسانی باید تربیت شوند که از آتش فساد برکنار باشند این موضوع مربوط بکسیون فرهنگی است که در موقع خود گفته خواهد شد.  
و اما راجع بزنان چون نمیشود زنان را بمدرسه فرستاد و وضع محیط ما چنین عملی را ایجاب نمیکند لذا بایستی از طریق تشکیل انجمن مربوط بزنان اقدامی کرد.

انجمنی تحت عنوان (انجمن آزادی زنان اسرائیل ایران) باید تشکیل شود!

ممکن است سؤال کنند چرا کله آزادی در این عنوان وارد است آزادی یعنی رهائی از هر قید و بندی میدانیم که زنان ما تا اندازه ای هنوز در قید اسارت تحکم خشک و بیجا شوهرانشان هستند و خانواده های یافت میشوند که شوهر، زن را بمنزله یک مرغ یا یک حیوان خاکی یا اگر قدری اهمیت برایش قائل بود او را بیشتر از یک کنیز نمیداند تعجب اینست که عده ای از این رو بدون اینکه بی برده باشند که زن هم در جامعه دارای حقی است با کمال رضایت و خوشحالی تن بر رفتار نامطلوب شوهران خود داده و دم نمیزند و پیش خود فکر میکنند اگر سعی کنند که قدری خود را آزاد تر نمایند میادا شوهرانشان آنها را ترك کنند بعد بلا تکلیف خواهند بود...

دیده میشود که بواسطه خبط و اشتباه بسیار نا چیزی بعضی شوهران زبان بناسراودای کلمات بسیار رشت گشوده و در حضور همه کس مخصوصاً فرزندان خود هر توهین و بی احترامی را نسبت بزنان خود روا میدارند این یکی از قیود اسارت زنان است که بایستی با تربیت شدن مردها از بین برود ولی مقصود مادر اینجا آزادی زنان از قید خرافات و نادانی است

# خدا پرستی است یا خود پرستی؟

بقیه از قسمت ۸

برخاستیم و با هم رفتیم وارد محل بزرگی شدیم صحنه هاری از هرگونه تجمل و زینتی بود. ولی در اطراف صندلی ونیکتهائی نهاده بودند و مردم بطور نامرتب نشسته وعده ای هم با وضع غیر مؤدبانه روی زمین چنبنانه زده وعده ای هم ایستاده بودند معلوم نبود وضع نماز آنها در چه حالتی است! همه و غوغائی برپا بود و طوری قرار گرفته بودند که سمت مهربانانیتش تشخیص داد زیرا هر کس روبرو سستی قرار گرفته بود. در جلو صفوف نامنظم و درهم برهم پیش نماز ایستاده بود و میکوشید که بانام قوا صدای خود را بکوش حضار برساند. ولی کوشش آن بیچاره بیپوده بود.

در میان آن جمعیت کثیر آشفته رفیق دست مرا گرفت و کشان کشان بگوشه ای برد که همه را خوب میشد تماشا کرد گفتم از این نقطه مناظر گوناگون و قابل یادداشت را ملاحظه کن در آن

اکثر زنان جامعه اسرائیل ایران بی سواد و از همه چیز بی خبر حتی تعلیم خانه داریم ندارند تربیت و تعلیم آنها عبارت از تعالیمی است که در موقع دختر بودن مادر بزرگشان بشکل قصه و افسانه شبهای زمستان در بای کرسی بآنها نشانت داده است و منز آنها را برای موهوم نموده و برای همیشه یک روح ضعیف و سستی در آنها پرورش داده اند و آنها هم بانجریبات موهوم بیشتری در موقع مادر شدن تحویل فرزندان خود میدهند.

مثلا هنوز زنانی یافت میشوند که اگر فرزندانشان مریض شود در عرض مراجعه طبیب متوسل به دعا و فال و جادو گری میشوند یا برای آرام کردن اطفالشان موجودات موهومی مانند غول و جن و اولو در نظر آنها مجسم میکنند. خلاصه وقتی بطور دقیق بروحیه و داخله اغلب خانواده های اسرائیل ایران رسیدگی شود یکمشت مردم ترسو و همیشه متزلزل و از زندگی مایوس و سست خواهیم دید که علاوه بر اینکه خدمتی از دست آنها برای جامعه بر نیاید شاید مضر و سر بارهم باشند.

مقصر این خرابی فقط زنان اسرائیل هستند زیرا خود آنها که مسئول تشکیل خانواده و تربیت فرزند و اداره داخلی خانواده ها هستند همینطور بار آمده اند. بنا براین میتوان گفت که زنان فوق العاده در بن نادانی گرفتار هستند و برای نجات جامعه اسرائیل ایران از بد بختی و پریشانی بایستی زنان را از قید موهومات و نادانی خلاص کرد.

اینست که آن انجمنیکه عهده این مأموریت مهم میشود باید بنام «انجمن آزادی زنان اسرائیل ایران» خوانده شود.

# یک ضایعه اسفناک

تصور میکنم بامرک ژنرال رز این ارتش بزرگترین ضایعه را متحمل شده است.

قدان او هیچ دست کمی از مرک استون وال ژاکسن در جنگهای داخلی امریکاندارد.

این ژنرال بهترین نمونه یک سرباز کامل امریکایی بود.

ژنرال رز در تمام مدت عمر بپودی فداکاری بود و پدرش را میسویدم رز اکنون نودسال دارد و در نظر است یک بیمارستان یک ملیون



عکس بالا ژنرال رز را با برزیلندس ترومن موقتی که هنوز سناتور و برای سرکشی بجهت شمال افریقا رفته بود نشان میدهد.

میجر ژنرال موریس رز یکی از بارزترین و نجیب ترین افسران یهودی نیروی امریکا در حینیکه در خاک آلمان در اثر غلبه دشمن به نیروی ایشان تسلیم میشد هدف کاوله یک سرباز بی حیثیت آنان گردید.

طوماس ر. هانری خبر نگار یکی از دو روز نامه های شیکاگو که در آلمان همراه ژنرال رز بود پس از این حادثه تلگراف زیرین را بر روزنامه خود معارفه نمود:

رفیقم گفت اینها از طبقه فاجر پویشان هستند. به بین خرابی محیط ما تا چه اندازه است. حتی در موارد مذهبی هم طبقه ژنده پویشان که پاکدامنتر از فاجر پویشان هستند قدر و قیمتی ندارند.

من در بین ژنده پویشان اشخاصی را میشناسم که از لحاظ درس راستی و تعالیم مذهبی و پاکدامنی و نیکو کاری بسیار برجسته هستند ولی بدبختانه چون سرمایه ای ندارند دارای ارزش و اهمیت نیستند.

این فاجر پویشان که در سایه تمولشان هر یک هزاران جنایت و حطام میشوند و دامن اکثر آنها آلوده فجایع است چون دارای ثروت هستند. در همه جا مقدم میباشند حتی در امور مذهبی بجای مردم صالح. گفتم خوب است در این محل تذکری بدهی شاید بتوانی آنها را آگاه کنی - گفت باین طریق نمیشود تا کسی بخواهد برای نصیحت کردن و هدایت مردم دمان بکشاید فوراً مورد حمله قرار خواهد گرفت و او را تکفیر میکنند.

پس از چند دقیقه گفت برویم زیرا پیش از اینت مایه تأسف است.

برخاسته خارج شدیم در بین راه شروع بصحبت نموده و گفت: این مردم برای خدا پرستی بعبادتگاه نمیا یند بلکه برای خود پرستی. زیرا اگر اینها خدا را حاضر و ناظر بدانند روی موضوعهای بسیار ناچیز مثلا جای نشستن یا انتخاب اشخاص برای اجرای مراسم مذهبی مجادله نمیکند تمام کارهای این مردم از روی خود خواهی است خدای متعال محتاج عبادت این مردم نیست بلکه اینها نیازمند کرم پروردگار هستند.

اجتماعی بقلم: «س»

گوشه قرار گرفتیم. دیدیم مانند قشونیکه سر از اطلاعات ما فوق پیچیده و یافی شده باشند در موقع قیام و قومود و رکوع و سجود عده ای از پیشنامز متابعت کرده ولی عده دیگری پشت بهم نموده و بغیال خود مشغول هستند.

عده ای با هم صحبت میکنند و عده ای هم شوخی می نمایند و از باین عبادت گاه چند نفری طوری میخندیدند که صدای قهقهه خنده آنها را همه کس میشنود.

و اشخاصی هم مانند اینکه در قهوه خانه هستند وارد شده و خارج میشوند و معلوم نبود اینت عده زیاد بچه منظوری در اینجا جمع شده اند.

چند نفری را دیدم با لباسهای فاخر و بسیار تین با تکیر و نخوت کامل وارد شدند و صفوف جماعت را شکافته بسمت مهرباب پیش رفته ناگهان با لحن خشن و مغرورانه نسبت بچند نفری بر رخاش کردند و گفتند چرا جای ما را گرفته اید اینجا محل ما است بلند شوید وعده ای هم اعتراض کردند و در آن غوغا و دهوایی برپا شد. بر رفیقم گفتم مگر برای عبادت نیامده اند اینت مجادله و کشمکش چیست؟

گفت بر حسب ظاهر برای عبادت آمده اند ولی منظور باطنشان چیز دیگری است.

با مداخله چند نفری سر و صدا ها خوابید و برای اجرای مراسم مذهبی چند نفری را انتخاب کردند ناگهان از گوشه ای صدای گوشخراشی بلند شد و گفت «فقط فلان شخص و فلان شخص ... آدم هستند پس ما چکاره هستیم چرا ما را انتخاب نکردید؟!»

شخص دیگری جواب داد «البته اگر آدم بودی ترا انتخاب میکردند». این گفت و شنود غوغائی دیگری برپا کرد که هزاران فحش و ناسزا و کلمات و ریکه نثار عده ای شد.

با کمال حیرت گفتم مگر اینها برای عبادت خدای متعال در اینجا جمع شده اند؟

مگر حضور پروردگار مهربود خود را ندیدانند؟ چرا کسی آنها را بخیط و خطایشان آگاه نمیکند؟

رفیقم گفت اینها معنی عبادت را نمیفهمند و راه آنها نمیدانند چند دقیقه دیگر صبر کن مناظر دیگری به بین بعد از اینجا خارج میشویم و درباره این قبیل عبادتها و اخلاق این مردم برایت گفتگو ها خواهم نمود.

بار دیگر چند نفری که معلوم بود اشخاصی صالح و نیکو کاری هستند دخالت نموده و آنها را خاموش کردند و منتخبین اجرای مراسم مذهبی را صدا کردند که بمأموریت خود بپردازند.

دیدم چند نفری با لباسهای کاملاً فاخر با نخوت و غرور کامل جلو آمدند.



ژنرال رز با لباس رسمی و دستاره هایش دلاری بنام ژنرال رز در شهر دنور بنا کنند

ولی بدون توجه باین امر مهم در اینجهل جمع میشوند که اهمیت خود را برخ یکدیگر بکشند.

در محل عبادت همه کس بایستی با کمال تواضع و فروتنی حاضر شده و خود را از دیگران کوچکتر و پستتر تصور نماید و با ایمان کامل و سکوت محض گوش به گفته های پیشنامز فرا داشته و فقط خود را در حضور ذات لایزال آفریدگار دانسته و ذکرش فقط عبادت باشد.

این مردم هیچوقت رستگار نخواهند شد زیرا اعدا را شناخته ولی بنام عبادت خدا میخواهند نجات و افکار شخصی را عملی کنند. چطور انتظار داری چنین مردمی سعادت مند باشند در صورتیکه یک عمل عبادت ساده که از واجبات روزانه است و از طفولیت باید بیاموزند نمیتوانند بجا آورند؟

گفتم فی الواقع جای تأسف است من از حیرت و تعجب مات شده ام. اینجا دیار عجایب است گفت در کجای این جهات عجایب نیست مثلا دو دیار شما آیا تصور میکنی بهتر از اینجا هست گفتم داید گفت در اشتباه هستی دینداری محیط شما بدتر از اینجا است. عیبیانی شده و با حرارت و خشمی گفتم این دیگر توهین است میتوانی نسبت بهر موضوعی ابراد بگیری و قبول کنم ولی نسبت به دینداری محیط ما نمیتوانی زیرا هیچوقت مانند این منظره که امروزه دیده ام ندیده ام.

تیمی تسخر آمیز کرد و گفت. همین حالت غضب تودلیلی است بر عدم اطلاع شما از دینداری گفتم توضیح بده.

گفت آنها میدانی دین برای چیست؟ گفتم بلی برای شناختن خدا است. بقیه در صفحه ۱۷۶

# خوشبختی

وای بر آنکس که در زندگانی منظوری ندارد و در خلال ایام کاری انجام ندهد، او زنده نیست و حیانتش از مرگ بدتر است. (هم)

زندگانی سفر کوتاهی است که از گهواره و دامان مادر شروع و پس از طی مراحل کودکی، جوانی و پیری بگودال قبر خاتمه مییابد، و کلیه افراد بشر از اینجهت یکسانند که همه زندگانی را از دامان مادر شروع کرده، دوران طفولیت را با غفلت و بی خبری طی نموده یا روزگار جوانی را با شور و هیجان و عشق و امید گذرانده، زمان کبوت را با سعفتی و مشقت و یا خوشی و سرور خاتمه دهند و عاقبت پدنیای مرگ رهسپار شوند.

اما ممکن است بعضی ها تمام مراحل حیات و زندگی را طی نمایند و در ایام طفولیت یا در دوران جوانی چون شهبازی که در شهبازی ناریک از گوشه افق نمودار گشته و رتاریکی فرومی رود از حیات محروم گردند و یا چون گلی نو شکفته پژمرده و زرد رنگ گشته و از شاخه درخت فرو ریزند و در دل خاک مدفون گردند. ولی باید بدانیم از این آمد و شد کوتاه در این دنیا چه میخواهیم و باید روزگار و حیات خود را چگونه بگذرانیم، آیا باید مانند (دیدرو) که میگوید: «ما همه فرقه دویای تیره روزی و بینوائی هستیم و می باید آنقدر اشک بریزیم و استغاثه کنیم تا فرشته مرگ بر بالینمان آید و از این زندگانی سراسر اندوه خلاصیمان بخشد» بنالیم و لذت حیات را بر خود حرام کنیم و دوران کوتاه عمر را با بدبختی بگذرانیم و شاهد حیات را زهر کشنده تبدیل نموده و دائم با غم و غصه هم آغوش باشیم و یا مانند (مارک اول) که میگوید: «نباهد با دست خویش وسیله رنج و غم برای خود فراهم آوریم و لذت حیات را با مصائب خیالی از میان برداریم.» دنیا و حیات با دیده خوش بینی بنگرییم و خود را خرم و و شادان نشان دهیم، بمصائب و مشکلات روز بی اعتنا باشیم، ببعوادت سخت لبخند مسرت زینم و همیشه باخوشی و سرور و نشاط و مسرت هم آغوش باشیم.

اگر بدقت تعمق کنیم مشاهده میشود که شهاد و شرنک، خوشبختی و بدبختی، نیکی و بدی اطراف ما را مانند زنجیر فرا گرفته اند هیچکس نمیتواند منکر وجود غم و بدبختی در دنیا گردد و اگر بخواهیم مسرتها و خوشبختیها را پشت سر گذاره و بدبختی و بیچارگیها را جلو رو قرار دهیم ما هم مانند اغلب مردم که از زندگی و حیات شکوه دارند و خود را بدبخت می شمارند، از دست روزگار دلی ریش و خاطری پریش خواهیم داشت و دائما با غم و غصه هم آغوش خواهیم بود ولی هر گاه صبر و متانت و طاق و بردباری را که پیشرو خوشبختی است شعار خود سازیم مشاهده میشود که بدبختی نیز تبدیل به خوشبختی خواهد شد و مصائب روزگار سبب رشد فکری و یکی از عوامل خوشبختی خواهد بود. پس هر کس زمام اختیار خود را در دست خویش دارد و خوشبختی و بدبختی نتیجه اعمال خود اوست و خداوند هیچکس را نادان و بدبخت و یا فهیم و خوشبخت نمی آفریند و در دایره آفرینش تفاوتی برای اشخاص قائل نمیشود. دامنه انکار و آرزوهای ما چنان وسیع است که هرگز آن

# ترجمه و نگارش م. ا. ا.

# مختصری از علل پیشرفت روچیلد و پسرانش

وا بنام کارل روچیلد بنایل میفرستد تا با دادن قرض کمکهای لازمه را بعمل آورده و انقلابات ناپل را فرو نشاند.

تا این تاریخ هر پنج برادر با اتحاد و تشریک مساعی یکدیگر صاحب ۵ شعبه تجارتخانه بزرگ در اروپا شدند که بترتیب عبارتند از فرانکفورت (مرکز آنها) لندن - پاریس - وین - ناپل و تا سال ۱۸۳۰ ثروت برادران روچیلد منتهی درجه قوس صعودی خود را پیمود و تمام قروضی را که دولتهای بزرگ اروپایی لازم میداشتند معامله آنها منحصر بقصد آنها بود چنانچه در همین تاریخ برادران روچیلد قرارداد سه قرضه بزرگ تاریخی را بدولتهای فرانسه و اتریش و پروس با مضام رسانیدند.

یکی دیگر از علل مهم پیشرفت برادران روچیلد بدون شک و تردید اتحاد و اتفاق رای و یکانگی بین آنها بوده است و برای همین نمونه تاریخ خاندان آنها نشان میدهد هنگامیکه غفلتاً انقلابات جولای ۱۸۳۰ در فرانسه بوقوع می پیوندد و در نتیجه شارل پنجم تاج و تخت خود را از دست میدهد شعبه تجارتخانه روچیلد در پاریس بعزت طلب هنگفتی که از دولت فرانسه داشته با آن همه عظمتش دچار بحرانیهای شدید مالی میگردد ولی برادران دیگر از شعبه تجارتخانه های خود فوراً بکمک جیسس روچیلد برادر خود شتافتند و با کمکهای لازمه او را از خطر ورشکستگی و سقوط نجات می بخشند و در واقع با این عمل خود برادری و یکانگی خودشانرا بعالم و عالیان نشان میدهند.



برادران روچیلد همیشه در ضمن انجام امور تجاری و صرافتی مراقب حال فقرا وضعفا بوده و برای نیات خیر از پرداخت وجوه و اعانات مخصوصا نسبت بامور خیره اسرائیل سکوتاهی و مضایقه ننوده و نینمایند و نام آنها در دفاتر خاطرات آلیانس اسرائیلیت و انجمن تبلیغات زبان انگلیسی یهودیان اسکستان و غیره ثبت میباشد - امیدواریم که بزرگان بود ایرانهم از این قبیل اشخاص سرمشق گرفته و موجب افتخار و سر بلندی خود و ملت اسرائیل ایران گردند.

مثیر آمشل روچیلد فرزند يك دلال خرورده فروش و صراف کوچکی بوده است که در «گتو» محله فرانکفورت اقامت داشته و مؤسس «بانک روچیلد و پسران فرانکفورت» میباشد این شخص در اواخر قرن ۱۸ میلادی اعتبار و اهمیت زیادی بخصوص در نتیجه جنگهایی که بر اثر انقلاب فرانسه پدید آمده بود بهم رسانید مثیر آمشل با فروش سکه های کهنه و عتیقهجات دیگر با دربار ارتباط حاصل نموده و چندی بعد هم بایکی از درباریان ارتباط و دوستی مخصوص برقرار نمود.

در طی جنگهای ناپلئون غفلتاً متوجه میشود که گذشته از آنکه ثروت بی پایانی نصیبش گردیده بملایم اعتبار و اهمیت زیادی را هم بدست آورده و در همین موقع لازم دانست که فرزندان خود را هم داخل کار های تجاری خورش بنماید. بهترین فرزند او پسر او شدش نانا مثیر روچیلد بود که بانگلستان مهاجرت و سهم بزرگ دول مهمی را در این گیر و دار تمهید داشته است فرزند دومش جیسس مثیر روچیلد که نماینده تجارتخانه آنها در فرانسه (پاریس) و بایزادرش که در همسایگی دشمن فرانسه اقامت داشته ارتباط لازمه را برقرار نموده است.

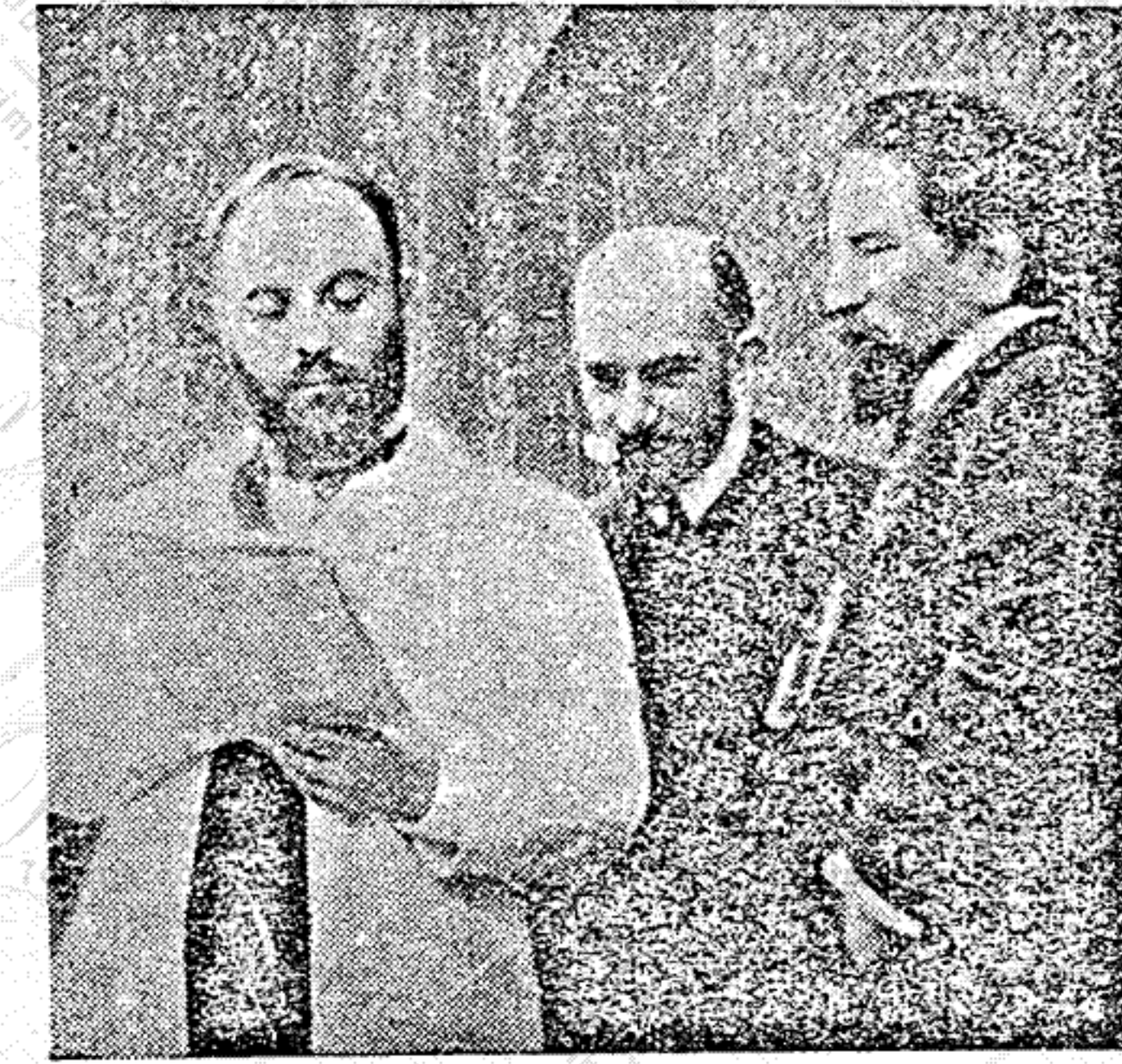
یکی از علل بزرگ پیشرفت روچیلد ها در زندگانی اجتماعی خود آن بوده است که در هر جنگی هر يك از آنها سهم خود بدولتهای خودشان قرض هنگفتی میدادند و مسلماً در برابر این قروض هم سود سرشاری عایدشان میگردد از آنجمله در سال ۱۸۱۷ که دولت اتریش یکی از بدهکارهای عمده آنها محسوب میشد در برابر کمکهای مالی ایشان بدولت اتریش آمارا به ترفیح درجه اشرافیت نائل گرداند و در نتیجه معامله با اتریش یکی از پنج برادر بنام سلیمان مجبور میشود که برای همیشه در وین اقامت اختیار کند و بعد ها همین روچیلد یکی از اشخاص موتقی شد که از هر حیث مورد اطمینان مترتخ صدر اعظم اتریش واقع گردید، زیرا در موقعیکه مترتخ تصمیم میگردد که انقلابات ناپل را فرو نشاند و در مقابل این مسئله بفرنج احتیاج مبرمی پیدا کرده بود برادران روچیلد از او دریغ ننمودند و همین جهت مترتخ برادر پنجم

ساختم، خرمتهای سیم و زر بر روی هم انباشتم و در توانگری از هر که در جهان بود گذشتم، اما لذتی که مدتها در انتظار آن بودم بن ترسید و بجز افزودن رنج و اندوه برایم حاصلی نداشت» کسایکه ایام عمر خود را بیول میفروشدند و جز افزودن مال و انباشتن سیم و زر ب فکر دیگر نیستند، کمشد گای میباشد که این دنیا جز شکنجه و آزار نفع دیگری برای آن ها نخواهد داشت و لفظ خوشبختی در نظر آنها کلمه نامفهومی بیش نخواهد بود. ثروت باید با دمازه ای باشد که احتیاجات مادی را رفع کند بهر اندازه ای که احتیاجات مادی زیاد تر گردد بهمان اندازه غم و اندوه ما افزون تر خواهد شد بنا بر این بهتر آن است که بثروت با همان چشمی بنگریم که شایسته آنست، یعنی آنرا معبود و مقصود خود قرار ندهیم بلکه وسیله نیل بقاصد و حوائج خود بشماریم و بدانیم که ثروت حقیقی و منبع نیک - بختی تنها در نهاد خود ما وجود دارد و آت عبارت از کلیه

صفات و ملکات نیکو از قبیل: نیکو کاری، وظیفه شناسی، برهیزکاری، تقوی و غیره غیره میباشد که بالا ترین و مهم ترین ثروت های جهان بوده و در دسترس همه کس بطور تساوی گذارده شده است ولی اغلب اشخاص بوسیله تند خوئی، ستیزه جوئی، رشک و حسد و غیره ثروت حقیقی خود را از دست داده و آفت تصور میکنند که قسمت آنها از ازل بدبختی بوده است. در خانه این مختصر را با جمله ای از آثار (ارد آویوری) خانم میدهم که میگوید: «اگر بتوانیم زندگی را چنانچه هست به بینیم چیزهای کوچک را بزرگ بشماریم، اوها را بجای حقیقت نگذاریم از مواهب دنیا تا آنجا که میتوانیم استفاده بریم، رنجها و غم ها را لگد کوب کرده و با بی اعتنائی از روی آن بگذریم، از خوبی لذت بریم. و بدبهارا ندیده انکاریم، اعتبار خواهیم کرد که موهبتی گرانها تر از زندگی وجود ندارد و دنیا جایگاه مسرت و خوشبختی است.»

# اوسشکین

روزی روزنامه ایراک حاوی نقشه فلسطین بود گرفته و آنرا زینت دیوار اطاقش کرد تا بدینوسیله همیشه صیون در نظرش مجسم باشد



در این عکس اوسشکین با دکتر وایزمن و سکولف دیده میشوند

ابراهام منجم اوسشکین در دهکده «دبرنا» واقع در روسیه سفید در سال ۱۸۶۳ متولد گردید، تحصیلات اولیه اش را در «حدادا» طی کرد و در سن ۷ سالگی گمارا را بخوبی یاد گرفت و سپس به همراهی پدر و مادرش به مسکو مسافرت کرد و در آنجا تا سن ۱۳ سالگی در تحت سرپرستی یکی از اقوام نزدیک خود موسوم به «راویم برلین» بسا جدیت و علاقه زیاد بتعلیم زبان و ادبیات پرداخت.

از سن ۱۳ سالگی بیعت شروع بفرآ گرفتن زبان روسی کرد و بعد داخل دبیرستان «ده آل» گردید، و هنگامیکه تحصیل میکرد او را بجلسه ای که راجع بانتخاب یکی از دو کشور ارس اسرائیل یا آفریقای جنوبی برای مهاجرت یهودیان بآنجا بحث میشد دعوت کردند و دو سال بعد داخل نهضت پیلو شد. اوسشکین در دوران تحصیلی خود لحظه ای از تحصیل زبان و ادبیات عبری غافل نمیشد و در عین حال تحصیلاتش را به بهترین وجهی ادامه میداد، پس از طی تحصیلات متوسطه وارد دانشکده مهندسی شد و با موفقیت زیاد دوره دانشکده را نیز طی نموده بدربافت دیپلم مهندسی نائل گردید و در سال ۱۸۸۳ در اثر نطقی که در مجمع یهودیان مسکو تحت عنوان «قیام مکایی» ایراد کرد تیوغ فکری و قدرت بیان خود را ظاهر ساخت. اوسشکین علاقه بخصوصی بارس اسرائیل داشت و دیوانه وار صیون را می پرستید و منتهای کوشش خود را برای خدمت بملت صرف میکرد، روزی روزنامه ای را که حاوی نقشه فلسطین بود گرفته و آنرا زینت دیوار اطاقش کرد تا بدینوسیله همیشه صیون در نظرش مجسم باشد.

اوسشکین در طی سالهای ۱۸۸۴ تا ۱۸۹۰ در اجتماعات زیادی شرکت کرد و مخصوصاً در مجمعی که بوسیله او جداها هم تشکیل شده بود داخل گردید و در سال ۱۸۹۱ در سن ۲۸ سالگی برای اولین بار بارس اسرائیل مهاجرت کرد و به بزرگترین آرزوی خود موفق شد.

در سال ۱۸۹۶ با هرصل ملاقات کرد و بدینوسیله توانست در کمیته پاریس که در آنجا راجع بتاسیس و بنای «برطویا» گفتگو میشد داخل گردد، اوسشکین پس از مذاکرات زیادی با هرصل، توانستند با کمک یکدیگر تشکیلات صیونیست را توسعه

از طبع آقای «مسح سلیمان»

## کاین گفته پیمبر و فرمانی از خدا است

کردم همی سوال زیر سنمکشی خندید و گفت جان بدر قصه روشن است کرده کنه بدر که پسر رنج میکشد گفتم که پایمال شده اقتدار ما گفتم که ملت یهود تماماً برادرند گفنا چه سود دست میانشان عناصری گفتم مگر شود که حکومت بدهند؟ گفتم که (علم یهود) اداره نمیشود

کای پیردپر گو له ستم بر تو از کجا است فاسد چو گوشت ریشه همه بار او فناست کاین گفته پیمبر و فرمانی از خدا است گفتا که در نتیجه بغض و نفاق ماست دو شرهشان نفاق و خد سخت نارواست کاندو نهاد و باطنشان مار و ازدها است گفتا چو اتحاد نیا شدی سخن خطا است گفت این دگر بدست توانی اغتیا سه



«سپان هارون اف»

## غروب شوم..!

این غروب شوم با افق تیره و تارش مرا نیز افسرده نمود تنها در صحرا روی تخت سنگی نشسته خاطرات گذشته را از نظر میگذرانم...

من از گذشته خود یادبودهای فراموش نشدنی بخاطر دارم، آری.. اگر بخواهم آنچه بر من گذشته بیاد آورم.. قلبم از شدت اندوه متلاشی میشود...

ای غروب ظلمانی ظلمت تو مرا سالها است از دیدت نازنینم محروم کرده اری، در راه دور، در پشت این کوه ها، دره ها، در بستر خاک خفته و از نظرم نماینده است، ولسی قیافه مصوم وی همواره در برابر دیدگان میفروغم مجسم است..!

ای شب تاریک تا کی چنین گرفته و ملولم داری..؟ دیگر بس است.. بگذار اندکی خود و خاطراتی که مزاج رنج میدهد فراموش کنم..

لحظه ای دیدگانم را برهم گذاشتم نادرهالم رو یا گمشده خود را به بینم چون چشم گشودم خورشید از زیر لکه ابری سر بدر آورده و تاریکی وحشت انگیز را بروشنایی خیره کننده ای مبدل کرده بود آهسته سر با آسمان کرده گفتم ای خدای من، آیا بخت خفته من نیز از پس این ابر تیره بدبختی روزی بیدار و روغن خواهد شد

## «برای تو»

همیشه بتو و برای تو. برای تو ای محبوبه محزون من برای تو ای مادر گمشده فرزند آریا میل داری که چنگ شکسته و درهم ریخته من جز این آهنکی دیگر بنوازد؟ و آیا عامل دیگری قادر به برانگیختن احساسات من خواهد بود؟

این نگاه تملی بخش تست که شب تار زندگیم را روشنایی می بخشد، تصویر زیبای تست که در رؤیاهای شیرینم مجسم میشود، عشق و امید وصال تست که در شب های تاریک و ظلمت بار حیات مرا هدایت میکند.

در آن اوقات که جز تو کسی را نمی بینم و گوشم جز صدای دل نشینت صدائی نمی شنود، قلبم چنان نیرو میگیرد که تقدیر را بچنگ می طلبد، دنیا و هر چه در آن است بیاد دشنام میگیرد. فریاد و فغان میکند، ناله و زاری سر میدهد ولی افسوس که گوش شنوا و دیده بینایی نیست.

آیا تو این صدهای جان خراش را در آسمانها نمی شنوی که ترا بخود میخوانند؟ و آیا صورت خونبار دل داده خود را نمی نگری؟ و یا از سوزش آتشی که در قلب او مشعل است احساس گرمی نمی کنی؟

آنگاه که دیدگان سیاه و جذابت را در جایگاه خدایان میبینیم.

وقتیکه می بینم زهره با آنهمه قشنگی در مقالی زیبایی تو سر تسلیم فرود آورده و حلقه غلامی ترا بگوش کشیده است بخود میلرز و بسا صدائی که جز تو و خدا کسی نمی شنود میگویم.

برای تو ای برای تو ای محبوبه محزون من برای تو ای مادر گمشده فرزند!

حیات چند ساله من. «یوسف»

## امثال حضرت سلیمان

۱. احبب تمامی خشم خود را ظاهر میسازد. امامرد حکیم بتأخیر آنرا فرو میزناند.
۲. هر که گوش خود را از فریاد قهرمی بندد. اونیز فریاد خواهد کرد و مستجاب نخواهد شد.
۳. اسب برای روز چنگ مهبلاست اما نصرت از جانب خداوند است.
۴. عقل انسان خشم او را نگاه میدارد و گذشتش از تصیر جلال اوست
۵. هر که پدر و مادر خود را لعنت کند چراغش در ظلمت غلیظ خاموش خواهد شد.
۶. جلال جوانان قوت ایشان است و عزت پیران موی سفید.
۷. سخنیکه در مجلس گفته شود مثل سیبهای طلا در مرمکاری تیره است.
۸. از نبودن هیزم آتش خاموش میشود و از نبودن تمام منازعه ساکت میگردد.
۹. در باره فردا فخر منما لیرا نمیدانی که روز چه خواهد زاید.
۱۰. هر که بر فقیر ترحم نماید بخواهد او را بدهد و احسان او را با او رد خواهد نمود.
۱۱. پند را بشنو و تأدیب را قبول نما تا در عاقبت خود حکیم بشوی.

# اوستاشکین و رامسس دوم

ترجمه سیروس بی بی

در بازگشت از مین هیزم مدت کمی در قاهره توقف کردم و از جمله چیزهای دیدنی در کشور قدیمی که یادگار دورانهای پرافتخار فراموش شده است مشاهده نمودم و موزه قاهره بود. هنگامی که سالونهای بزرگ آنجا را تماشا میکردم و در مقابل اجساد مومیایی و ستونهای عظیم و ابوالهولهای وحشت آور آن توقف مینمودم غفلتاً جسد مومیایی شدهای که در وسط سالن بزرگی قرار داشت توجهام را جلب کرد، وقتی جملاتی را که روی آن منقوش شده بود خواندم بخود لرزیدم زیرا من در مقابل خود باقیمانده فرعون بزرگ را مشاهده می کردم همان فرعونی که در کتب مقدسه نامش ذکر شده و در حقیقت مظهر آنتی سیمی تیسس بوده است و بملت کوچک یهود که در آنروز دوسرزمین دور افتاده و محدودی که در مصب رود نیل قرار داشت اعلان جنگ داد، اینک در مقابل همان فرعون که دستور داد ذکوران قوم ما را در آبهای نیل غرق کنند یکی از اعتقاد ملت اسرائیل که برای تجدید حیات ملت خود اندیشه می کند با کمال افتخار ایستاده است.

«ای رامسس کبیری که در تمام کشورهای شرقی آنروز»

«خاطرات گذشته تو و خاطرات گذشته من»  
 «تاریخ تو اگرچه صفحانش برانب از تاریخ من زیاد تر است اما هیچکس از خواندن آن کترین شوقی در خود حس نمیکند فقط از لحاظ تاریخ مورد مطالعه قرار میگیرم و اما تاریخ من باینکه صفحانش کمتر است هزاران سال است که شیفتگان راه آزادی برای مطالعه آن جدیدت و کوشش می کنند و هر سنگدلی از خواندنش متأثر میشود و جو بیوای اشک از سرچشمه عشق و علاقه خود جاری میسازد»  
 «زبان تو و زبان من»  
 «زبان تو فقط روی این سنگهای سخت دیده میشود و تنها عده معدودی باستان شناس آن آشنائی دارند، اما زبان من هنوز زنده و باقی است و خودم از کودکان و جوانان می شنوم که بآن تکلم می کنند»  
 «ادبیات تو و ادبیات من»  
 «ادبیات تو بکلی ناپود و فنا شد و جز چند نفری با آلتو توگراف کسی قادر به خواندن آن نیست در صورتیکه ادبیات من اهمیت خود را از دست نداده است و هر روز»



میچرز نرال او. بولینگ مدال ستاره برنجی را بینه سروان آرتور کورف که یکی از اعضای «بنی بریت» امریکا است بیاداش شهامت و لیاقتش نصب میکنند.

این سروان یهودی که مامور خط پهلوی نیروی که سرعت میبایست از رودخانه ای در خاک آلمان عبور نمایند

از شنیدن نام تو لرزه بر اندامشان میافتاد و یا آن فرور»  
 «و نخواستی را که هنگام فرمانروایی بر آسیای آنروز و بواسطه»  
 «لشکریان مسلح و همراهی های سهمناک خود داشتنی از دست»  
 «نداده ای؟»  
 «آیا باز هم آن افتخار و عظمتی که هنگام تعقیب قوم»  
 «مظلوم من که بهرامی حضرت موسی (ع) بطور ناشناس»  
 «در بیابان طی طریق می کردند دارا هستی؟»  
 «راستی حضرت موسی با چه نیرویی با تو جنگ کرد»  
 «و چگونه باعث نابودی تو و لشکریات گردید؟»  
 «او در حالیکه بوسیله بوته مشتمل تقدیس شده بود»  
 «فقط یکمکه چندصفحه از کتاب مقدس با نواعلان جنگ داد و اکنون»  
 «خودت ای رامسس کبیر اعتراف کن شکست باچه کسی بود؟»  
 «ملت توجه شد و ملت من در چه حال است، از ملت»  
 «تو امروز جز مشتکی خاک باقی نمانده و من امروز با کمال»  
 «افتخار بر روی آن قدم میزنم، و ملت من با اینکه سالها»  
 «است ملت جهان برای نابودیش قیام کرده اند هنوز زنده و»  
 «جاریدان است»

«سراسر دنیا و در معابر و کنیساها اشعار و ادبیات قوم»  
 «باشوق تمام سراییده و خوانده میشود»  
 «خدای تو و خدای من»  
 «خدای بزرگ تو از بریس برای ابد ناپود شد و»  
 «اکنون بر روی بقایای آن که مشتکی خاک بیش نیست با که»  
 «افتخار قدم میزنم اما خدای من هنوز زنده و جاویدان است»  
 «و بر تمام جهان حکومت میکند»  
 «حال خودت اعتراف کن شکست باچه کسی بودی و با با»  
 «پس از اینهمه مشاجرات درونی برای ارائه مسا»  
 «و بیداری ملت خود با کشتی عازم شدم در حالیکه با»  
 «میاندیشیدم «ای ملت قدیمی من پشت خود را در برابر»  
 «شکست و عذاب خم نکن و بیاد بیآور در این کشوری که»  
 «چور و تعدی زیاد روا میداشتند سر نوشتش بکجا انجام»  
 «دو تو چگونه با کمال آزادی زندگی میکنی»  
 «هیچوقت فراموش نکن «ادونای شوهر اسرائیل»

## اوضاع و احوال یهودیان شهرستانها

## خوانسار

فرستاده: آقای ابراهیم ابراهیمیان پزشک



تقوس  
 تعداد اسرائیلهای خوانسار تقریباً ۱۷۵۰ نفر است که از این عده یک هزار نفر آن در نتیجه نداشتن شغل معینی مجبور شده اند بدهات اطراف پراکنده شوند.

در خوانسار بیش از پانزده بیست خانوار متبول نیست و باقی بحال متوسطه و قرضه زندگی میکنند. بیشتر اسرائیلهای کسب مشغولند ولی یکمده زنان در صنعت قالی بافی مهارت زیاد دارند که از این راه بصنعت قالی بافی ایران کمک زیاد می کنند. متأسفانه وضعیت بهداشتی ما در اثر نبودن وسایل کافی چندان رضایت بخش نیست. اشخاص با نقوذ منحصر بچند نفر است فرهنگ:

احتیاجات ملی ما زیاد است ولی آنکه مقدمتر از همه میباشد تأسیس یک مدرسه است که اطفال بیچاره و بی بنامه که در اثر نبودن مدرسه روز بروز احساسات و هوش و ذکاوت آنها ممدوم میشود بتوانند در آنجا تربیت ذوق و ابتکارات خود بپردازند. شما تصور نفرمائید اگر ما در محیط کوچکی زندگی می کنیم دارای روحیه قوی نیستیم، اشتباه نفرمائید همان غوغی که در عروق نابه های بزرگ اسرائیل دنیا وجود داشته و دارد در قلوب اطفال ما هم جای دارد ولی باین تفاوت که آنها در بزرگترین محیطها و با بهترین وسایل تربیت یافته اند اما کودکان بیچاره ما فاقد یک مدرسه کوچک هستند!!

کاش یکسانی که سنگ ملت را بر سینه میزنند و مرتباً در مجامع و محافل برای اظهار معلومات خود فریاد میکنند می گفتیم!

بمحل کار بر آید بسخن دانی نیست!!

آقایان بفرمائید: این کودکان خردسال ما را که در سن ۱۲ سالگی بهترین معلومات عالی اسرائیلی (نمود - گمارا - اربع حلاقیم) را یاد گرفته اند تربیت کنید و بیجا همه تعویب دهید و اگر نمی توانید لااقل یک دبستان در خوانسار تأسیس کنید که اینها هم شغل امروزی پدرشان را مجبوراً اختیار نکنند.

یک نفر معلم عبری در حدود یک صد نفر پسر و دختر را درس میدهد ولی بواسطه فقدان وسایل تحصیلی بطرز قدیم و با وضع وقت آوری تحصیل می کنند.

دو دبستان دولتی هم کلیه دانش آموزان اسرائیل را نمی پذیرند. خوب است جناب آقای اریه نماینده محترم ما از حقوق ما دفاع کنند و اقدامی بفرمایند که کلیه دانش آموزان ما در دبستان دولتی بپذیرند.

تشکیلات  
 بنظور کمک و مساعدت به بینوایان دارای یک انجمن خیریه هستیم ولی چون اکثر اسرائیلهای برای امرار معاش مجبورند بدهات اطراف بروند دارای جبراً یا باشکاهی نیستیم و از طرفی

## راشل لوی

راشل لوی یکی از دوشیزگان احساس اسرائیل ایرانی همدانی که داوطلبانه در تمام مدت جنگ اخیر داخل نیروی هوایی انگلستان در سطحین خدمت میکرد.

تمام یهودیان دنیا با فداکاریهای زیاد و دادن ثقات و قربانیهای بی شمار علاقه خودشان را بمتفقین عزیز نشان داده و ثابت کرده اند برای حفظ صلح و آرامش دنیا خدمات گرانبهای انجام داده اند و حالا این شفته گان آزادی آرزوی بدست آوردن حقوق حقه خود را دارند که بتوانند با کمال آزادی بزندگی ملی خودشان ادامه دهند.

(عکس فوق را بانوم لوک زگر گریان برای ما فرستاده اند)

چون بیشتر جبراهای شهرستانها برای رسیدگی بامور مدرسه تشکیل میشود و بدبختانه مادرای مدرسه نیستیم جبراهم نداریم نقشه اصلاحی: برای اصلاح عمومی اسرائیلهای خوانسار دو چیز نظر میرسد: یک کلیه ماها بمعبطهای زرگتری مهاجرت کنیم یا وضع فرهنگ ما خوب شود که نسل آینده بیچاره نشود.

عالی یهود: خوبست اولیای امور ما بناله های سوزناک شهرستانها رسیدگی کنند و اطفال بیچاره ای را که در اثر نبودن وسایل تحصیلی در چنگال جهل و نادانی گرفتار خواهند شد نجات دهند.

# اعدام یهودیان سالونیک یونان

از ۵۰۰۰۰ نفر یهودی سالونیک فقط ۵ نفر زنده بمیهنشان مراجعت نمودند

اجاق‌هایی داشتند که در آنجا قربانی شده‌گان خود را میسوزانیدند.

اغلب معانظن این اجاقها را از یهودیها انتخاب کرده و آنها را مجبور میکردند باین عمل مبادرت ورزند.

یکی از یهودیهای که بسالونیک مراجعت کرده و کسی دیوانه شده است حکایت میکند که آلمانها او را مجبور کرده بودند پدر و مادرش را بادست خود در مجس « اوهویتس » بسوزانند.

موقمی که آلمانها در لهستان عقب نشینی میکردند کلیه یهودیهای که در اثر شکنجه و آزار آنها نمرده بودند بطور دسته جمعی اعدام نموده بسلسل بستند و عده‌ای از آنها که توانستند از خطر رهائی یابند حکایت میکنند که مدت ۷ روز تمام در سوراخهای زیرزمینی مخفی شده بودند.

پس از اینکه آزاد شدند در بلغارستان نیز مورد شکنجه و ظلم زمامداران آنجا قرار گرفته بطوریکه اهالی بلغارستان از کمترین کمک در همراهی نسبت بآنها امتناع ورزیدند.

نقل از اقدام

بر حسب اطلاعاتی که اخیراً از یونان رسیده جمعیت یهودیان شهر سالونیک اجتماع کرده و عناصری را که شکنجه و آزار آلمانها رانسبت بیهودیها ثابت میکند تسلیم متفقین نمودند آلمانها کلیه یهودیهای سالونیک را تبعید کرده و نابود ساختند، مجموع اخباری که راجع بقتل و عام کردن ۶۶۰۰۰ نفر یهودی تبعید شده بدست آمده شامل شرح زیر است.

آلمانها به یهودیان فرمان میدادند که با دست خود مریضها و پیرمردها و زنهای یهودی را اعدام نمایند و بعداً آنها را مجبور میکردند چهارده ساعت متوالی در حال نشستن روی زانوکار کنند و هیچکس حق ایستادن نداشت و اگر کسی در اینموقع کمی سهل انگاری میکرد و یا میایستاد برای تنبیه یا کتک زیادی میخورد و یا اینکه اعدام میشد خوراکی که روزانه بآنها داده میشد شامل یک کیلو نان برای بیست نفر و کمی سوپ بود.

پس از اینکه چهارده ساعت کار آنها تمام میشد آنها را که زنده بودند می فرستادند برای اینکه استراحت کرده و بخوابند اما این بدبختها از ترس اینکه مبادا نصف شب آنها را انتقال دهند باینکه کتک زنند تا صبح خوابشان نمیرد آلمانها

## مهاجرت

بطوریکه روزنامه‌ها خبر میدهند یک کشتی دیگر با هزاران نفر از مهاجرین جدید بسوی فلسطین رهسپار است. هفت صد نفر از این مهاجرین از بازداشتگاه‌های برکن - بلسن و تریزین در آلمان فرار کرده و از راه سویس فرار کرده رسیده‌اند - در آتیه نزدیکی یهودیان مجارستان و چک اسلواکی نیز وارد خواهند شد.

## گوناگون

بقرار خبری که روزنامه همشکف داده است صد نفر یهودی که ۸۰ نفر آنها مرد و زن و ۲۰ نفر طفل بوده‌اند در سرحدات سوریه فلسطین بازداشت شده‌اند مردان و زنان هر یک به یکماه حبس و پرداخت ۵۰ لیره جریمه محکوم شده و کودکان را بدمشق هودت داده‌اند.

دویست نفر مرد و زن در جلو هتل دوویل در تل آویو اجتماع نموده و انتقال ۳۰۰۰۰ نفر یهودیان ساکن کلیه‌های محقر ناحیه مانیه در یافا را به تل آویو خواستار بودند بطوریکه روزنامه‌ها از تمس می نویسد ۴۰۰ نفر یهودی

که همراهی سربازان لهستانی در مدت جنگ فلسطین آمده‌اند دوباره بمیهنشان باز خواهند گشت و نیز در میان ۲۰۰۰ چک - اسلواک که بکشور خود میروند بیش از ۱۰۰۰ نفر یهودی وجود دارد.

از این بیخ رساله ای بنام عالم زنان در تل آویو منتشر خواهد شد. این رساله بطوریکه از اسم آن معلوم است منحصر بمسائل زنان بوده و بانزده روز یکبار منتشر می‌شود.

خبر تلگرافی که خبر نگار یکی از روزنامه‌های عرب فرستاده و روز نامه الدفاع چاپ یافا نیز آنرا منتشر نموده است حاکی است که یهودیان اروپا که ناظر قتل عامهای فجیع بوده‌اند اکثرأ تقاضای انتقال فوری خود را بفلسطین مینمایند این حقیقتی است که بر اشکالات سیاسی دولت بریتانیا در فلسطین می افزاید اخباری که از آلمان پرسد حاکی از درخواستهای یهودیان برای سکونت و تثبیت موقعیت خود در فلسطین میباشد و نیز اجتماع از یهودیان با ویر نیز اظهار میدارند که یهودیان بیش از این نمیتوانند در باویر بمانند و در خواست میکنند که بزودی پروانه مهاجرت بفلسطین به آنان داده شود و این مطالب است که موقعیت نمایندگان کنفرانس صیونست را که در لندن منعقد شده است بیش از پیش محکم مینماید

## اطلاعات



# یهود

## پذیرفتن دانش آموزان ایسرائل

### در کایه آموزشگاهها

بوجب اطلاعی که بدست آورده ایم در نتیجه اقدامات آقای اریه نماینده مجلس شورای ملی کلیه جوانان ایسرائل ایران میتوانند آزادانه در تمام دانشکده‌ها و دانش سراها و پرستارنیا نام نویسی نموده بدون مانع بتحصیلات خود ادامه دهند.

عالم یهود: ما برای خدمت بیشتری بجوانان قسمتی از یکی از صفحات خود را برای دانش آموزان اختصاص میدهم تا اگر با دخول آنها موافقت نشد بتوانند آزادانه تقاضا وشکایت خودشان را بمرض اولیای امور برسانند.

## ورود مهاجرین فلسطین

رادبولندن - در حدود ۲۰ مهاجر یهودی که در بازداشت گاههای نازی بازداشت بودند بوسیله یک کشتی فرانسوی وارد بندر حیف شدند.

در بین این مهاجرین ۱۵۰ کودک وجود دارد امیر فیصل ولیمد کشور عربی سعودی که فعلا در مصر اقامت دارد در اسکندریه اظهار داشت که مقامات انگلیسی احساس میکنند که مسئله فلسطین باید هرچه زودتر حل و تسویه شود.

## خوش بینی وایزمن

در موقع بازگشت مادام اوامیشا ملی یکی از لیدرهای نهضت مهاجرت جوانان فلسطین دکتر وایزمن سخنرانی در یکی از مهمانیهایی که بافتخار وی در لندن داده شده بود ایراد کرد. نماینده عالی خبرگزاری یهود خوشبینی خود را نسبت بموضوع مهاجرت یهودیان بفلسطین اظهار داشته و گفت که در بهای فلسطین بیش از این نمیتواند روی یهودیان کالوت بسته باشد.

مادام ورا وایزمن در این مجلس وضعیت تأثر انگیز یهودیهای یهودیان اروپا را تشریح نموده و از مساعی قابل تقدیر نهضت مهاجرت جوانان که برای نجات آنان کوشش میکنند تمجید نمود در خاتمه دکتر ژرژ لاندویر راجع به طرح مربوط بفرستادن ۲۰۰۰۰ نفر کودکان اروپا بفلسطین صحبت نموده و گفت که این کار برای ما ۳۵۰۰۰۰۰ لیره مخارج خواهد داشت.

# عالم

## سؤال از وزارت خارجه

مقام ریاست مجلس شورای ملی .  
توقیرأ تقاضا دارم مقرر بفرمایید جناب آقای وزیر امور خارجه برای پاسخ دادن سؤال زیر هر چه زودتر در مجلس شورای ملی حضور بفرمایند .

مدتی است کلیه‌های ایران که قسمتی از ملت ایرانند با داشتن تذکره ایرانی و ویزای فلسطین برای ممالجه که میخواهند از راه عراق عبور نمایند دولت عراق ویزای عبور نمیدهد و در نتیجه عده از افراد ایرانی تاکنون تلف شده‌اند با اینکه دولت عراق بیمان سعد آباد با ما بسته است و منشور اتلانتیک و منشور ملل متفق را نیز امضاء کرده ادامه رفتار غیر عادلانه که باعث تلف شدن عده ای از افراد ایرانی میگردد . مستند چه هلت و مجوزی است و دولت شاهنشاهی چه اقدامی برای اصلاح این رویه بعمل آورده است .

با تقدیم احترامات فائقه

مراد آریه

## یادبود اولین سال وفات برل کاتسی نلسون

بمناسبت اولین سال وفات برل کاتسی نلسون لیدر کارگران یهود فلسطین اجتماعی با شرکت هزاران نفر بر سر مرار مشارالیه تشکیل شد این عده از تمام نقاط کشور بعضی از طرف مجامع ملی یا اجتماعات و اتحادیه‌ها و عده ای از مستعمرات و عده ای هم با عناوین شخصی بودند.

نماینده هیستدروت که مرحوم نیز مدتی از رؤسای آن بود و نیز نماینده روزنامه داوار که مشارالیه مؤسس آن بود و تا آخر عمر آنرا اداره میکرد نیز حضور داشتند.

مجلس یاد بود با نطق افتتاحیه م - از انستت افتتاح شد در حالیکه سرود های مذهبی و دعا های مخصوص خوانده میشد.

اتحادیه کار در تل آویو مجمع یاد بودی نام فقید بر پا ساخته و قرن قیمت هم اقدام بتأسیس جمعیتی برای امداد جنگلی بنام مرحوم « برل » نموده است.

از مجموع سخنرانیها و نوشته‌های مرحوم و نامه‌های قدردانی که از خدمات مشارالیه در فلسطین منتشر شده است کتابی بنام « برل » ترتیب داده شده است و روزنامه داوار هم یک سری از فهرست خدمات مرحوم انتشار داده است.

# بخش کودکان



## خلاصه مطالب

قسمتی از جوابهاییکه تاکنون بسابقه!

## مسابقه

## زیباترین

## کودکان



آقای جهانگیر سامیج اصفهانی فرزند دوساله آقای شاملو سامیج که والدینش ضمن اظهار تشکر از صفحه مخصوص کودکان نوشته اند: جهانگیر خیلی باهوش و زرنگ است و مخصوصاً خودش همه کارهای زندگی کودکانه اش را انجام میدهد

**کردگان عزیز**

اگر چه عدد زیادی در مسابقات بخش کودکان شرکت میکنند ولی ما انتظار داریم فقط باینکار اکتفا نکرده بلکه از حالا دم دردست بگیرید و مقالات کوچک و مختصری بنویسید جدول درست کنید، عکس بکشید، مسابقات شربنی تهیه کنید و برای چاپ بفرستید که باسم خودتان چاپ کنیم.

شما تصور نکنید که زندگی فقط برای خوردن و خوابیدن است باید از اکنون خودتان را برای فردا آماده سازید، بیجسی و بیجانانی را از خود دور کنید، عزم قوی و تصمیم راسخ داشته باشید و بخواهید که مرد زندگی شوید آنوقت است که باعث افتخار ملت میشوید و خودتان هم سعادتمند میگرددید، بنابراین از همین حالا تصمیم بگیرید برای پرورش استعدادتان علاوه بر اینکه در مسابقات عالم بهبود شرکت کنید بلکه حتماً مقالاتی هم بنویسید و بفرستید که چاپ کنیم.

بقیه از قسمت ۸ بقلم «حیثینا ملامد»

## قصه برای کودکان

درین مردم شخص مهربان و خداپرستی بود که نانوائی میکرد و اسمش یعقوب بود، یعقوب برخلاف دیگران خیلی بارحم بود و در تعطی با اینکه خودش دارای هشت اولاد کوچک و بزرگ بود مهرباناً هر روز که نان می پخت به ضعیفا و فقیران نان میداد و همه که میکرد (مانند مرحوم دکتر روح الله سبیر که دوسال قبل تمام اوقات خود را مصروف فقرا و ضعیفا مینمود و با آنها غذا و دوا میداد و با سختی پول جمع آوری میکرد تا عاقبت چانش را هم فدای ملت نمود)

یکی از شبها که فریاد و استغاثه مردم زیاد بود و ابدأ

بقیه از صفحه ۱۶۲

## کیپور و پیغمبر رك گو

اما اشیاء بدون معطلی جواب پوست کنده و صریح اللهجه خود را در آیه های ۶ و ۷ برخ ما کشیده میگوید مگر روزه ای که من می پسندم این نیست که بندهای شرارت را بکشاید . . . و مظلومان را آزاد سازید . . . و نان خود را بگرسنگان تقسیم نمائید و فقیران هر دود را بخانه خود بیاورید و چون برهنه ای را ببینید او را پوشانید . . . . .

به به! ما کجا و رعایت این دستور کجا! ما فقیران و گرسنگان را چون در کنار کوچه به بینیم از کنار دیگر عبور می کنیم اشیاء میخواهد ما آنها را بخانه خود بیاوریم!! چراغ مرده کجاشمع آفتاب کجا! ما از کاشتن روزه ریا کاری را درو می کنیم و خدا از روزه دلسوزی بحال مردم را طالب است.

هنگامی که این مقاله مختصر را مینوشتم یکی از دوستان که بدیدن من آمده بود میخواست استراق نظر نموده مقاله را بخواند من خود برایش خواندم. اظهار داشت که ترجمه این فصل رادر کنیسه ای که من بدانجا میروم نمیخوانند گفتم یقین در آنجا از این تروتمندانی که روی سخن اشیاء بدانها است زیادند و پیش نمازها میترسند که از ترجمه این فصل رنجش آنها را بخود جلب کنند!

ای کاش خوانندگان (تقیلا) در عوض ترجمه مواد غیر ضروری و کسل کننده این فصل رادر روز کیپور ترجمه میکردند تا همه کس معنی روزه حقیقی را بفهمد!

س. حسین

## جوابهای خصوصی

**آقای شاهپور شاولی:** استمداد شما قابل تمجید است شکل صندلی را که فرستاده اید بعدا چاپ خواهیم کرد سعی کنید همیشه از اینگونه چیزهای ظریف برای ما بفرستید.

**آقای یعقوب هارونیان:** ذوق شما هم خوب است مساهماتی را که ارسال داشته اید بواقع خود چاپ خواهند شد دقت کنید مطالب بهتر و شیرین تری بفرستید.

**آقای هوشنگ نهورانی:** معما های عددی شما خوب و قابل درج هستند ولی نتوانسته اید موضوعات را خوب شرح دهید.

**آقای صیون گرمائی:** اشعار روش هشانا یا سال نو خوب بود ولی موقمی بهما رسید که شماره مخصوص روش هشانا را در روز بود مردم خوانده بودند!

**آقای لطف الله شکریان:** از لطف شما متشکریم بفرستید اگر خوب باشد چاپ میکنیم

**آقای ناصر بوستانی:** معمای شما بد نیست ولی چرا فراموش کرده اید راه حل آنرا نشان دهید!

صور کرد و داخل کوچه منزل خود شد چند قدمی نرفته بود که پیر مردی را با پنج چدید که روی زمین نشسته اند و اطفال بیچاره ناله میکنند:

مادر جان، مادر جان، بفریادمان برس از گرسنگی مردم دیگر طاعت نداریم.

پیر زن بدبخت همینکه بمعقوب را دید گفت: ای بمعقوب

ترا بخداوند امشب بن و اطفالم رحم کن و قدری نان بپاذه که بچه هایم از گرسنگی نمیرند. یعقوب بفکر فرورفت احساسات او بپوش آمده بود، میخواست فداکاری کند و مردم را از گرسنگی نجات دهد ولی نمی توانست این کار را انجام دهد بالاخره دو عدد نان از خوراک بچه هایش بآنها داد و آهسته آهسته دور شد.

یعقوب قدم زنان بخانه خود نزدیک شد ولی همینکه خواست در را بزند صدای ناله زن و مردی را شنید که میگفتند:

ای یعقوب ما از دیروز تا بحال هیچ خوردنی بدست نیآورده و امروز هم بهر کجا مراجعه نموده ایم لقمه نانی بدست نیآورده ایم و در این موقع شب متوسل بتو شده ایم، در این موقع یعقوب طاقت نیارده دو عدد نان باقیمانده را هم بآنها داد و آنها با گفتن هزاران دعا از آنها دور شدند! یعقوب آمد در منزل را بکوبد ناگهان شنید دو طفل کوچکش بمادر خود میگویند: مادر جان نیمه شب شد و پدرم نیامده من که خیلی گرسنه ام! مادر با زبان شیرینش طفل را نوازش میداد و میگفت عزیزم، اهمیت ندارد صبر کن، بالاخره پدرت خواهد آمد

یعقوب از شنیدن این سخنان زار و آرزو بگریه نمود و پیش خود فکر نمود رفتن بمول چه نتیجه دارد جواب زن و بچه هایم را چه بدهم و از طرفی فردا که سرمایه ندارم کار کنم، طلب کارانم هم که حتما اطرافم را خواهند گرفت بهتر است از این شهر فرار کنم و سر بیابان نمم! بمعقوب بیچاره با افکاری پریشان و دلی پر از حسرت نالان و گریان از شهر خارج شد.



خنده‌ای نبوده و گفت: پس خبرنگاری گوش کن دین داری فقط برای خدا شناسی نیست. موضوع مهتر و مقدسی بر خدا شناسی هست

دین برای ارائه طریق زندگی و یاد دادن تربیت و اخلاق است که خدا شناسی هم در آن وارد است. اگر کسی معنی دینداری را فهمید آنوقت میتواند به وظیفه خود پی ببرد و آنوقت میدانند که کوچکترین و نادانترین افراد جامعه میباشد.

آیا میدانی در محیط شما دین را برای چه میخواهند برای خودستایی و فخر بر دیگران در محیط شما دین وسیله فرورو تکبر و تسلط بر دیگران است بنام دین از ابناء بشر دوری میکنند و گروهی نسبت بگروه دیگر تنفر دارد:

حال نیکویم طرز عبادت و ادای فریضه مذهبی شاهمین طور است و بطور کلی میکویم شما هم پس از قرنهای هوز معنی دین را نفهیده اید.

زیرا اگر فهمیده بودید میبایستی کلیه افراد جامعه را مانند اعضای يك خانواده بدانی نه اینکه بدون اجرای اوامر دین فقط بامید پیروی از فلان دیانت خودت را مستحق آموزش و سعادت بدانی ولی دیگران را اهل جهنم و همراه تصور کنی.

مقصود کلیه ادیان یکی است و همه برای کسب اخلاق و مردم داری است آن دین که ترا از دیگران برتر جلوه دهد و خود ستایی و غرور را در تو ایجاد کند و ترا از معاشرت با دیگران بیزار نماید بمجادله و خصومت و جنک بر علیه هم نوع خود و ادا کند آن دین نیست بلکه دستورات گمراه کننده است که آفت نوع بشر میباشد.

بایستی از آن دوری کرد و تمایلی را پذیرفت که بگوید دوست دار همه نوع را مانند خودت و ترا ب مردم داری و نوع پروری و خدمت بجامعه و ادا نماید پس تو هم خودستایی مکن زیرا افراد محیط شما نیز گمراه طریق تکبر و خودخواهی هستند و هنوز معنی دیانت را نفهیده اند. بهتر اینست از این مقوله سخن نگریم به طلب دیگر بپردازیم ... براه خود ادامه دادیم و رفتیم ...

گزارشی شرکت سهامی چاپ و نشر کتابهای خودکارچاپ  
شرکت سهامی چاپ و نشر کتابهای خودکارچاپ  
۱۳۴۴

شرکت سهامی چاپ

۱۶۵

برنده جایزه قسمت هفت این کتاب دارنده شماره ۳۶ می باشد که با ارائه قسمت ۷ این کتاب مبلغ یکصد ریال نقد پرداخت می شود.

برنده این قسمت در قسمت ۱۱ اعلام میشود

برندگان جوایز قسمت ۳ و ۴ کتاب عالم یهود

آقای رحیم بن حیم دارنده شماره ۴۴۹ قسمت پنجم از تهران و آقای نیسانی مزدانی دارنده شماره ۲۷۵ قسمت سوم از شیراز هر کدام برنده یکصد ریال وجه نقد هستند ولی بنا به تقاضای آنها از قسمت ۸ بیهه برای هر کدام مدت شش ماه عالم یهود ارسال خواهد شد.

شرح عکس پشت جلد

این پیرمرد مشغول اجرای یکی از مراسم مذهبی است که در موقع مید سوکوت صورت میگردد. در این موقع دعائی خوانده میشود و بوسیله «اوتروق و اولاب» که نمونه آن در دست همین پیر مرد است يك درس اجتماعی و فلسفی داده میشود.

«اولاب» تشکیل شده است از شاخه و برگ درخت بید و از شاخه نخل خرما و از شاخه درخت مورد و «اوتروق» یکی از مرکبات است.

با ستایش و حمد خداوند متعال بهات یهود تذکر داده میشود که درخت بید دارای میوه و عطری نمیشد. نخل خرما فقط دارای میوه است ولی عطر و بویی ندارد درخت مورد دارای میوه نیست بلکه فقط دارای بوی مطبوعی است. ولی «اوتروق» که نمونه مرکبات است هم دارای بو و عطر دلکش است و هم دارای طعم خوبی است بنابراین افراد ملت یهود مانند «اوتروق» باید هم معنا و صورتاً هم از لحاظ ظاهری و هم از لحاظ باطنی مشربتر بوده و جامعه را از وجود خود بهره مند نمایند.

به هم کیستان خود کمک کنید

با خرید يك بلیط نمایش «جزای روزگار» شامیتوانید که بیکاران اسرائیل را از خطر بیکاری و خانواده های ایشان را از گرسنگی نجات دهید.

کلیه در آمد این نمایش بمصرف ایجاد کارگاه نجاری میرسد.

نماینده فروش عالم یهود در شیراز بنگاه بخش مطبوعات است و ما از کوشش ایشان برای فروش عالم یهود بدینوسیله تشکر میکنیم.

# عالم یهود

گرد آورنده  
مهندس یوسفی  
حبيب الله لای

نشانی:  
خیابان چریچیل  
کوچه گلکار شماره ۷

قسمت ۱

۵۷۰۶  
۱۳۲۴  
۱۹۴۵

۲ خشان  
۱۷ مهرماه  
۹ اکتبر

سه شنبه  
مطابق

بها  
ه ریال

از راست بچپ آقایان رشتیان - بنایان - درستی

